

عقلانیت چیست؟ بیانگر فزونی عقلانی بودن یک واقعیت و به

معنای معقول و منطقی بودن یک چیز است

و این دو نالیم چیست؟ چه معنا؟ را میدانیم که با عقلانیت هم ریشه است و به معنای

امانت عقل یا مردگترین است

عقلانیت چه بود از چیر زمان آغاز شد؟ از عصر رنسانس

عصر رنسانس به چه دوره ای گفته می شود؟ و ویژگی های آن؟ قرن های چهاردهم پانزدهم و

ششازدهم و رایج دوره نایل به نوگوازی در فرهنگ و ادبیات و هنر جدید آمده بود

رنسانس صانه با فرهنگ دینی و حاکمیت کلیسا همراه داشت زیرا دینا گدترین وجهه غالب آن بود

نظر برتر اندک دلیل درباره عصر رنسانس چه گفته! این دوره از تاریخ دارای چهار جنبه دینی خاص بود

که از جهات سیاسی با قرون وسطا تفاوت دارد فرهنگ عصر جدید بیشتر دنیوی است و

کمتر روحانی و دینی

اوما شیم چیست؟ نظام فکری که نیارهای دنیوی و مادی بشر را مورد توجه قرار می دهد

در راه حل آنها به جای ایمان به خدا و دین از طریق عقل آدمی جستجو می کند

دعای آن ها در وصف رسانند و صفتی اومانی است که چو گفته است ویرش معای اهل

دانش در گستره بی سابقه دانش وینوس است. دانشی که در انحصار کسب بود

به چینه من پیر هاجت که کلیسا تصویب می کرد و در حال آن آماده بودند به هر چه عقلی

و ذهنی انسان از مشکلات تا شعبه بازم و بدون واسطه از آن کس به امور دنیوی، مادی و شیطان

پیر دارند و به گفته های پولس قدیس امتحان برآوردند و آشکارا به انسان فخر می کردند پس نمی توان

دانش را تنها به جنبش علمی یا فیزی و ادبی منحصر دانست

عناصر اصلی و مشترک و دانش در دنیای غرب و بیابان های دینی آن در مناطق مختلف

چگونه بود! اتفاقاً به نزد در حل مسائل اهمیت به امور مادی و دنیوی روی آوردن با کلیسا

و نادیده گرفتن خطوط قرمز دینی عناصر مشترک و ذهنی اساس در دنیای غرب است

بیابان های دینی آن در همه جا یکسان نبوده در امتداد گرایشی رنگ آن بود یافت

دل در بخش های شمال اروپا امتداد آن امرش به جنبش اطلاع دین انبیا توسط مارتین لوتر دید آمد

تفکرات مثبت در او مانیم (۱) معتقدیم فطرت پاک انسان و بر عقیده تمامکار بودن ذاتی انسان

در عالم سعیت (۲) بازو به جهالت و خرافه گداز

تفکرات معقنه در ادما نيم الا مالک دادن به نيارهاى مادى و دينوى اسانه مبالغه در توانمندی

عقلی بشری در فهم حقایق و حل مشکلات از خود بی بینی افراطی به علم و دانشی جدید در فراهم ساختن علوم

آبادی به گذشتن نقش می بدل دین در زنگین اخلاقی و توانی انسان که در مجموع جنبه های منفی آن بیشتر است

شرح کو یارن ما کس و به در باروی عقلانیت جدید غربی لطیفانه کنیز او عقلانیت فنی و کارکردی و ابزارایی است

یعنی تخصص شده امور زتنش و بجزه گیری از فناوری و ابزارهاى علمی و فنی بران نيل به مقاصد زتنی و تنی

از عقلانیت غربی در راستای عدالت و تقواى حقیقی و صلح جهانی پیش می رود و نمی تواند آن را مقدمه ای

در جهت رسیدن به عدالت و صلح دانست یعنی عقلانیت غربی تعدد اخلاق ندارد و صرفاً مادى و جسمی است

از می آمده های منفی عقلانیت غربی این بود که ایمان و اعتقاد به حقایق متافیزیکی و تأثیر نیروهاى لکه از

تکر علم و فنی قابل پیش بینی نیستند از دست او گرفته و این ذهنیت را برای او ایجاد کرده که سر ته اند در بر تو علم

و فناوری همه چیز را پیش بینی و مهار کنند

آه او آنجا که در عرصه علم و فناوری تحول و تطور حکومت می کند و ابزارهاى فنون جدیدی عرضه و اینکه بشر جدید همه

هوئی خود را بکار برده در این جهت و از منافذ بزرگ جدا شده، زتنش او چهار نسبت را بر این و شکاکیت معرفتی شده

و در نتیجه نوعی بحران و خلاصه معنوی زتنش به جدیدی که می کند که بر این حیران این خلاصه اشیاى بدلان

دین و عقلائی نظام از منظر بسیار گسترده دین و حقیقت و اصل در تفهیم با عقلائی سازگاری دارد بلکه

خود مناسبت عقلائی است زیرا دین و حقیقت از قبایلی عقلائی برخوردار است و بهر آنکه در مقام عقلائی

بدرجه معنای بر دعوت می کند، در ادیان و حقیقت پرستش معنای عقلائی دارد مناسبت و عبادات دینی نیز همین عقلائی دارند

یعنی احکام دینی که مورد تأیید خرد و ادب بشر است مؤمنان در برابر خداوند و طبیعت دارند و استحقاق یادداشت

و کفر دارند و خداوند نیز بر اساس عدل و حکمت و رحمت با مظلومان برخورد می کند، دین و حقیقتی نظام مشخص از آموزه های

عقلائی و احکام عملی که از آن و میراث آن است شکل می دهند و دستگاه دین ^{مستند} مشرف به ریل بر امت بر عمده دارد

فکر بر این ویلسون و نظام عقلائی دین و تأثیر این جریان در تاریخ **یهود!** ظهور ادیان ~~تو حیدری~~ تو حیدری

باعث عقلائی شدن تمدن است که تاکنون از ما و در عالم بود این جریان که در تاریخ یهود بارز است به خصوص از نظر پیش از

حدان دین ما و آدای بر آنگاه، جادوی و خدایان محلی است روح فراتر می بر افغان آورده در یافت دینی لایزال است کرد

و بتدریج تصور کیسوت از خدای متعال و جهان که در اذهان حاکم است

جامعه شناسان ادیان را چگونه تقسیم بندی می کنند؟ جامعه شناسان ادیان را به ادیان غیر عقلائی و

غیر عقلائی تقسیم می کند از نظر آماره ادیان ابتدایی مانند آیینیم و تقسیم و آیین های جادوگرانه و شان ^{اند} یا از غیر عقلائی

و ادیان تو حیدری نمونه های آشکار ادیان عقلائی می باشد

گفته ماکس وبر در مورد عقلانیت نظام مند دین چیست؟
بهر طرف جدا و تکرار شایسته او تعبیری دور سازیش

غیر عقلانی است آموزش و پرورش عالم روحانی بر اساس دانش عقلانی و بر پایه تفکرات عقلانی شکل می‌گیرد و این انقلاب

مربوط به آن است عالم روحانی خود متلاطم آری که از اشخاص عین و صفات خاص و ویژه تشکیل شده در واقع عین و در

عناصیر عین نظامی که در هم می‌آورد در ادیان بدون کسین که می‌تواند که اداره می‌کند تا حدی که بعد از این سیستم

بلورگی هر جا که هیئت روحانی از زمان یا فضای وجود ندارد از نظام یافتگی دینی هم اثری نیست

تجلی عقلانیت نظام مند دین در آیین اسلام بیابان می‌شود از دیدگاه اسلام دین این که همی افزای جامعه نسبت به

مسائل محو و سر نوشت مکن جامعه مسئولیت دارند هر فرد و گروه متناسب با توانمندی و موقعیت های

دینی علمی و اجتماعی مسئولیت و ترفه این دارند و هر کس باید یا سخفوی مسئولیت خویش باشد نظم و هماهنگی

مورد قبول اسلام در جامعه بشری از جهاتین توحیدی آن سرچشمه می‌گردد چنین نظم و هماهنگی عالمانه و عدالت محور

انجام هر چه در آن عزیمت و مایای خود در کار معارف به تقوا بی‌نظم در زندگی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

توجه و تحسین کلیه از مستشرقان در مورد عقلانیت دین اسلام بسیار گفته اند دیدگاه توحیدی اسلام چگونه است که بعد از

آفرینش که موجود از این دلبس و گمانه که موجود است از پرورد وجود لایزال او هستی یافته باید استعد او از فطرت وجود پرستند

که دیده اند که بافت پذیرش نوعی نظم و هماهنگی در کائنات من انجام می‌دهی عالم وجود که مسئولیت الهی او را می‌کند

ما برای ترکیب جامعه بشری نیز جزئی از کل عالم امکان است و در تعلق و اعتلاف پیدادگری و تجاوز،

باید نشانه‌ی رعایتی علیه نظام برتر جهان تلقی شود. اصل تقسیم کار و تعیین مسئولیت‌ها و وظایف افراد

جامعه ناشی از قبول اصل نظم و هماهنگی این در جامعه است

آیا دین و عقلانیت ابزار و سوداگرانه را قبول دارد؟ اگر مقصود از عقلانیت جدید، عقلانیت ابزاری و سوداگرانه

باشد و دیگران را تأیید نمی‌کند زیرا با ارزشهای انسانی سازگار نیست و از طرفی در مورد توانایی نقل در شناخت حقیقت

لحاظ فراتر از پیوندها چنانکه ساعت، معنوی و حیات لغوی انسان را نادیده گرفته یا

دیدگاه‌ها، ماکس وبر در مورد سازگاری عقلانیت ابزاری در حوزه‌های مختلف با ادیان بر ستاری را بیان کنید؟

اهمیت با اخلاق برادر است که در ادیان موجود بوده و سازگار نیست روشن است که مقصود از سیاست عقلانی به معنای

ارمانیست و لیبرالیستی آن است. سیاستی که برای رسیدن به هدف هرگونه وسیله‌ای را توجیه می‌کند و مجاز می‌داند

در حوزه هنر یا این که جهوداً میان دین و هنر رابطه خوبی است ولی ارزش‌ها طرح ایده‌ی هنر برای هنر و پس از

آنکه عقلگرایی روشنفکران می‌تواند به هنر چنان رفتار کند که انسان آگاهی پیدا کرد و صورت مسئله تغییر کرده است

از این لحاظ هنر برای دین به چیز مشابه کمی تبدیل شده. یعنی هنر به این مستعد شده که قصد دارد مخلوق را به مقام

خالق برساند و عنوان رقیب، فریبنده و کفرآمیز استیارات دین را غضب بکند

آزاد دین به شدت با مظاهر هر به فسق مخالف است و انحراف از روابط جنسی (ناشروعی) که از شرایط کف نفس قرار

داده، از این رو بسیار از ادیان کوشیده اند تا امور دوا را تحت قاعده این دقیق در آورند

علت پیرو آمدن نفعیت در مائیک چیست؟ در مخالفت با عقلانیت مدرن وجود آمد و بر محدودیت های

حکم تأکید می کرد و به جنبه های تجربی که در اعمال عقل عصر جدید به غفلت بر گزار شده پیردازد. در مائیکها

به اعتقالات عقل گراییان با مائیک احساس و تقوی که هر دو در می دانستند

و کوششها و انتقادها به عقلانیت مدرن مائیک میسید. نه تنها با مخالفت عالمان دین در پیوند مخالفت عده ای از

فیلسوفان و متفکران غربی بلکه نیز بر انلیف باعث وجود آمدن نفعیت و مائیک شد (توجهات بالا ...)

برخی دیگر نزد گرایان مائیک جهت نقد می گتند که با اصول مطلق و متافیزیک مخالفت می کند و اصول عقلی

مطلق دانسته در حقیقت جایگزین اصول متافیزیک گمن کرده است

و آن ^{نقد} تراک روسو به عقلانیت مدرن مائیک میسید. در عین این که بر ضرورت اعتقاد به عقل در زندگی بشر تأکید

داشت فکر نقادی مطلق انگار درباره عقل لامردود می دانست نقد و زعمینه ساز تلف انتقاد گانت گردید

تقدیمات بر حاید که ناظر به چه مطلبی است عقلانیت ابزار میسید. بهر هوش حقیقی و مطلق

بجز سوسن بسیار و سعادت خود را در تسلط بر طبیعت و فن سالاری پیونارد و حیاتگرنده انسانتر این بر اندیش اش حکام

و امر متفالی روی نماند کرد، هایدگر علت اصلی معایب عصر جدید را در فراموشی هستی می‌داند و بر این اعتقاد بود که ضرورتاً هر حرکت‌ترین دشمن انریسیدن است زیرا فراموشی انریسیدن به همین توجیه می‌کند و با تکلیف برد ستاورد خاص فنا درسی و شهید زنده‌تر هر روز و انریسیدن کند معنی گفتنی از هستی کار می‌تابند و انریسیدن است

«فصل هشتم» عقل و ایمان

۱. دیدگاه‌های متفاوت درباره حقیقت ایمان را بیان کنید؟ و مشهورترین اقوال کدام است؟

الف ایمان عبارت است از تصدیق علمی بر پایه اسس ایمان از مقوله معرفت است

ب ایمان تصدیق قلبی که پیش از معرفت حصول یا حصولی است. که مشهورترین اقوال میان مسلمانان اسلام است

ج ایمان التوابع علمی به او امر و نواهی شرعی

د ایمان تصدیق قلبی و اقرار زبانی

ه ایمان تصدیق قلبی اقرار زبانی و التزام عملی

مشهورترین اقوال دیدگاه دوم است

آیه «یقرضونکم انما نعیم» در مورد چه کسانی است و مقصود آن چیست؟ در مورد دست‌های

از اهل کتاب که به بیایا سبب ایمان نیاوردند و مقصود آن‌ها با توبه به هزار شایسته در دین خود رسول

کتاب (تفسیر المیزان) می‌نویسد و می‌نیاوردند